

ضرورت افزایش ظرفیت افراد و اجتماع در مواجهه با ترنس ها

آبی های مایل به صورتی را بپذیریم

ترنس فردی است که دچار اختلال هویت جنسی است و ترنس سکشوال، کسی است که عمل جراحی تغییر جنسیت انجام داده است. این روزها در جامعه روان پزشکی و پزشکی، به جای ترنس از اصطلاح «ملال جنسی» استفاده می شود. فردی که دچار ملال جنسی است در ظاهر هیچ تفاوتی با جنسیت خود ندارد؛ اما روح و ذهنش با جنسیتش تطابق ندارد. «عدم انطباق روح و جسم» تعبیری بود که امام خمینی (ره) در مورد افراد مبتلا به اختلال هویت جنسی به کار بردند و بر اساس آن «فتوای تغییر جنسیت» را صادر کردند. ایشان معتقد بودند می توان جسم را تغییر داد اما روح را خیر.



آذر فخری، روزنامه نگار

فتوایی و تلاشی در جهت ملال زدایی

مریم خاتون پور ملک آرا که پیش از تغییر جنسیت، فریدون نام داشت کسی بود که این فتوای تاریخی را از حضرت امام (ره) گرفت و عمل تغییر جنسیت انجام داد. سپس برای حمایت از ترنس ها و تلاش در جهت رفع مشکل آنان و به رسمیت شناخته شدن شان به عنوان بیماران که نیاز به درمان دارند، در سال ۱۳۸۶، انجمن «حمایت از بیماران مبتلا به اختلال هویت جنسی» را تأسیس کرد. البته تا مدت ها، این انجمن فقط در حد یک نام و شماره ثبت باقی ماند، چرا که به مریم خاتون مجوز موقت شش ماهه داده بودند تا بعد از انجام مراحل لازم، جواز دائمی دریافت کند. او در همین زمان کوتاه تلاش خود را کرد تا کاری برای کمک به ترنس های امان «تی اس» ها انجام دهد، مریم خاتون از منزل و ماشین شخصی و پس انداز خود، در این راه استفاده کرد. در سال ۹۱ و با فوت خانم ملک آرا، طبعاً انجمن غیر فعال شد. اما یک سال بعد با همکاری گروهی از فعالان ترنس و غیر ترنس، هیأت مدیره جدید تشکیل و سر مراحل قانونی برای دریافت جواز

ما بیش از آن که جسم خودمان باشیم، آن روایت و قصه ای هستیم که ذهن مان برای مان ساخته است و چنین است داستان آنانی که دچار «ملال جنسی» هستند آن هایی که «ترنس» هم نامیده می شوند و بسیاری از آنان زخم توهین و تحقیر و شکنجه و افترا را بر روح و جسم خود حمل می کنند، بی آن که خود در آن چه هستند و در بیماری و اختلالی که گرفتار شده اند، هیچ نقشی داشته باشند. با وجود فتوای بسیار روشنگرانه امام خمینی (ره) در مورد جواز تغییر جنسیت، تا مدت ها و هنوز هم این افراد درگیر مشکلات اجتماعی فراوانی هستند و اغلب از سوی جامعه پذیرفته نمی شوند و مورد طعن و افترا و تحقیر و حتی لعن و نفرین قرار می گیرند. به نظر می رسد دیگر باید دست به کار شد و حضور و وجود این افراد را به رسمیت شناخت و به آنان در یافتن و باز شناسی هویت جنسی واقعی شان، کمک کرد و از بار مشکلات شان کاست.

یادداشت

فر دین علیخواه، جامعه شناس

این روزها جوآب های سوراخ به ندرت ترمیم می شوند. ممکن است بعضی اوقات جوآب هایی ببینیم که فرسوده باشند ولی به ندرت با جوآب های ترمیم شده برخورد می کنیم این وضعیت بر خلاف دو یا سه دهه قبل است که دیدن افرادی با جوآب های وصله پینه شده چندان دشوار نبود. حتی در مواردی رنگ نخ ترمیم جوآب بارنگ جوآب در تضاد بود و فردا صریحاً هم نداشت تا آن تفاوت رنگ را از چشم دیگران پنهان سازد. به نظر می رسد که در سال های اخیر جوآب ها، به محض سوراخ شدن به سمت سطل زباله پرتاب می شوند. چرا؟ نکته آن است که گاهی اوقات تغییرات کوچک در زندگی روزمره، حاصل تغییرات بزرگ تری است و برخی از جامعه شناسان مانند جورج میل تلاش کردند تا تحلیل مسائل شاید پیش افتاده، این ایده را به خوبی نشان دهند.

بر این اساس، پرسش آن است که زمینه های اجتماعی وقوع این تغییر کوچک؛ یعنی کاهش محسوس جوآب های سوراخ ترمیم شده چیست؟ در ادامه به چند مورد اشاره می کنم: برخی از جامعه شناسان یکی از ویژگی های زندگی جدید را شتاب اجتماعی آن می دانند. همه ما این احساس را داریم که زمان بسیار سریع می گذرد. گاهی اوقات یادمان نیست که برای مثال نوزده سال های مختلف چه تفاوتی با هم داشته اند و کی آمده اند و کی رفته اند. حتی زمانی که با آرامش روی مبل نشسته ایم هم احساس می کنیم که زمان به سرعت می گذرد. وجود چنین حال و هوایی، دوختن جوآب سوراخ را امری دشوار می سازد. وصله پینه کردن، حوصله خیال، زمان و روان آرام می خواهد. سرعت تند زندگی با سرعت کند دوختن جوآب سوراخ تناسبی ندارد. این روزها کم کم داریم برای انجام هر کاری به لمس دکمه های تلفن همراه، لمس دکمه های

شیک دستگاه های هوشمند دیجیتال خانه و یا مراجعه به صفحه یک استارت آپ برای دریافت خدمات عادت می کنیم. دوختن جوآب سوراخ در چارچوب این شرایط نمی گنجد و تا اندازه ای قدیمی، از مدافته و سنتی به نظر می آید. گویی کسی که جوآب سوراخ را ترمیم می کند از عصر خود فرستگ ها عقب افتاده است. در گذشته عمدتاً این زنان و به طور خاص مادران خانواده بودند که در چارچوب وظایف خانهداری جوآب های سوراخ سایر اعضای خانواده را می دوختند. این روزها اشتغال زنان در بیرون از خانه افزایش یافته و وقت برای آنان تبدیل به کالایی کمیاب شده است. به غیر از این تغییر، حتی زنان خانه دار هم به دنبال فرصت های فراغتی خاص خود هستند و وقت چندانی برای اموری مانند دوختن جوآب سوراخ ندارند. البته انتفاقی دیگری هم افتاده است. دوختن جوآب سوراخ به تدریج جزو وظایف فردی تلقی می شود. هر کس باید خودش بدوزد، در غیر این صورت کسی برای او این کار را انجام نخواهد داد.

در دهه اخیر پرستیز اجتماعی بسیار مهم شده است. ما دوست داریم که در چشم دیگران بدرخشیم و با وسایلی و کالایی که مصرف می کنیم از نظر و جهه اجتماعی؛ خوب جلوه کنیم. «بسالاس بودن» تعبیری عمومی از این وضعیت است. این روزها هویت عمدتاً از طریق مصرف ساخته و پرورده می شود. تعریف دیگران از من بر اساس آن چیزهایی است که مصرف می کنم. اگر دیگران متوجه شوند که جوآب سوراخ ترمیم شده پوشیده ایم و جهه اجتماعی مان خدشه دار خواهد شد. در سال های اخیر احساس شخصی افراد نسبت به خودشان مهم شده است و بسیاری دوست دارند که حس خوبی از خودشان داشته باشند، وقتی به خودشان نگاه می کنند اعتماد بنفس بگیرند و از ظاهر خودشان رضایت داشته باشند. جوآب سوراخ ترمیم شده این احساس را به آن ها نمی دهد. شاید هیچ چیز مانند جوآب سوراخ دوخته شده به فرد احساس شلخته پوشی ندهد و موجب نارضایتی او از تصویر خودش نشود. هیچ جای بدن مانند دیدن جوآب سوراخ یا

جوآب سوراخ ترمیم شده احساس فقیر بودن را به فرد منتقل نمی کند. برخی فقط با دیدن جوآب سوراخ اشکان است که احساس می کنند آدم در مانده ای هستند؛ نکته دیگر آن است که این روزها افراد به سختی می پذیرند که جزو فقرا هستند. بیشتر افراد خود را احاطه به لحاظ ذهنی؛ جزو طبقه متوسط می دانند. افراد معمولاً از دیدن پدیده هایی که به آن ها این پیام را بدهد که جزو قشر فقیر جامعه هستند فراموش می کنند. در سال های اخیر اتفاقی دیگر نیز افتاده است که برخی از آن با عنوان زیبایی شناختی شدن زندگی روزمره یاد می کنند. یعنی آن که مادر همه چیز و همه جا، نظیر غذا، لباس، چیدمان داخلی خانه به دنبال معیارهای زیبایی شناختی می گردیم. ما دوست داریم پاهای مان نیز قشنگ به نظر آیند. این روزها افراد تلاش می کنند تا جوآب های شان هم تا مین کنند معیارهای زیبایی شناختی شان باشد. سخن پایانی؛ این مطلب را مدتی پیش نوشتم. با این اقتصاد بحران زده و این شیوه مدیریت اقتصادی، بعید نیست که پس از این شاهد افزایش جوآب های سوراخ باشیم!

از گوشه و کنار

معاون اجتماعی بهزیستی پاسخ داد: کود کان خیابانی قاچاقی وارد کشور می شوند؟



معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کشور از اداره امور اتباع وزارت کشور خواست کود کان خیابانی را شناسایی کنند و به آنها کد قابل رهگیری اختصاص دهند تا هویت، نحوه ورودشان به کشور و شرایط آنها مشخص شود. حبیب الله مسعودی فرید در گفت و گو با ایسنا افزود: برای اینکه متوجه شویم چرا این کود کان در خیابان هستند، نیاز به شناسایی دقیق آنان داریم تا با شناسایی دقیق ببینیم آیا آنها قاچاق می شوند یا به صورت توریستی همراه با خانواده به کشور می آیند و کسب و کار می کنند؟ وی ادامه داد: در همه کشورها خصوصاً کشورهای مبتنی بر رفاه این امکان وجود ندارد که فردی با ویزای توریستی به کشوری سفر کرده اما بعد از یک هفته به کشورش بازنگردد و در آن کشور به کسب و کار بپردازد زیرا در آن کشورها افراد رصد می شوند، البته این موضوعی است که نهادهای انتظامی و اداره امور اتباع باید به آن توجه کنند.

معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کشور اضافه کرد: آنچه برای ما اهمیت دارد این است که آیا کود ک مورد آزاری قرار می گیرد؟ یا اینکه در کدام خانواده است؟. طبیعتاً وقتی این کود کان شناسایی شوند و کدی به آنها داده شود که قابل رهگیری باشد، می توانیم مطمئن باشیم که برای آنها اتفاقی نمی افتد. در این راستا اگر اداره اتباع بتواند این نقش را ایفا کند و پیگیر این باشد که کود کان قاچاق نشوند، حتماً موثر واقع خواهد شد.

فرید گفت: بهزیستی در نهایت متولی پذیرش و ارائه خدمات به این کود کان خواهند بود و اگر برای این موح حدی متصور نشوند و کنترلی صورت نگیرد، قطعاً با شکست روبه رو می شویم. وی در پایان گفت: آژاد راه امور اتباع درخواست داریم این افراد را شناسایی کنند زیرا برای ساماندهی این کود کان لازم است نحوه ورود و شرایط و هویت آنها مشخص شود.

افتتاح ورودی دوم شمالی ترین ایستگاه خط سه متروی تهران



مدیر عامل شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) گفت: به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ورودی دوم ایستگاه مترو قائم به عنوان شمالی ترین ایستگاه خط سه متروی تهران افتتاح و آماده بهره برداری می شود.

علی امام با اشاره به انتقال بخشی از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی به سوهانک، گفت: با توجه به افزایش سه برابری حجم مسافر در این بخش مطمئناً با گشایش ورودی دوم ایستگاه قائم می توانیم خدمات بهتری به مردم ارائه دهیم. این ایستگاه که در ۳۱ شهریور ۱۳۹۴ توسط حسن روحانی (رئیس جمهور وقت) به بهره برداری رسیده، یکی از ایستگاه های خط ۳ متروی تهران است که در شهرک قائم واقع در شمال شرق تهران قرار دارد. این ایستگاه در منطقه یک شهرداری تهران واقع شده و به شهرک قائم، شهرک محلاتی شهرک لاله، سوهانک و ازگل و هم چنین خط ۹ بی آر تی دسترسی دارد.

بر اساس گزارش روابط عمومی و بین الملل شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو)، مدیر عامل شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) از افتتاح بخش هایی از خط ۶ و ۷ مترو به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی در اسفند ماه خبر داد و گفت: ۹ کیلومتر جنوبی خط ۶ مترو، حداقل دولت آباد تا میدان شهدا با سه ایستگاه (دولت آباد، بعثت و میدان شهدا) و هم چنین سه ایستگاه (هلال احمر، تربیت مدرس و میدان صنعت) از خط ۷ مترو تا پایان سال جاری آماده افتتاح و بهره برداری می شوند.

در میان افرادی که دچار تی اس هستند مشکلاتی نظیر افسردگی، انزوا و گوشه گیری، خودکشی کم رنگ شدن روابط، بروز بی اعتمادی، طرد شدن از خانواده، کاهش احساس امنیت در سطوح سازمانی و پایین آمدن روحیه کار گروهی و از همه مهم تر از دست دادن شغل دیده می شود

زیر گروه های تراجنسیتی
تراجنسیتی خود شامل زیر گروه هایی نظیر تراجنسی، دگر جنس پوش (Transvestite)، یامبدل پوش ها (Crossdress) (افرادی که مایل هستند در پوشش و ظاهر به صورت جنس مخالف ظاهر شوند که می تواند شامل زنانه پوش مردانه پوش شود) و چندین گروه دیگر است. دپارتمان جامعه شناسی دانشگاه کالیفرنیا واقع در سانتا باربارا تراجنسیتی را این گونه تعریف می کند: «تمام افرادی که احساس می کنند آناتومی جنسی شان با هویت جنسیتی آن ها مطابقت ندارد؛ آن هایی که ظاهر تر رفتارشان با نقش های جنسی که جامعه از آن ها انتظار دارد هماهنگی ندارد.» در واقع جامعه مردسالار اما الگوی مطلوب خود را در قالب فاعل مسلط در یک نقش جنسیتی برای مردان تعریف می کند، تراجنسی و به دنبال آن سربچی از نقش های جنسیتی سنتی معمولاً مجازاتی از نوع طرد در پی دارد.

تاسال ۹۴، یعنی تا زمانی که آماری در مسورد تی اس ها در دست داریم (حدود ۵۰ هزار نفر)، هر فردی آسی که در خیابان و در انتظار تردد می کرد از سوی پلیس دستگیر می شد اما با اطلاع سانی های البته نه چندان وسیع امروزه خوشبختانه قانون از این افراد حمایت می کند و در حال حاضر پزشکی قانونی هم با توجه به سوابق بیماری این افراد برای آن ها مجوز هایی صادر می کند تا برای رفت و آمد در شهر، مشکلی نداشته باشند حتی اخیراً اصطلاح تغییر جنسیت اجنس تقریباً منسوخ شده و به جای آن از کلمه «جراحی انتساب مجدد جنس» استفاده می شود. اکنون اغلب مردم می دانند جراحی برای تراجنسی ها یک تغییر جنسیت نیست بلکه انتساب مجدد جنس است تا در نهایت آن چیزی شوند که واقعا هستند؛ جسم را می توان تغییر داد، اما روح را نه!

می کنیم و جنسیت مند (gendered) می شویم.

هر چند برخی افراد در برابر اجتماعی شدن جنسیتی مقاومت می کنند، شدت و نفوذ اجتماعی برای جنسیت، تضمین و تأیید می کند که بیشتر مؤنث ها، زن و بیشتر مذکر ها، مرد باشند. اما فرایند جامعه پذیری جنسیتی گاهی با مشکلاتی مواجه می شود که پدیده «اختلال هویت جنسیتی» را موجب می شود. هر چند پژوهش ها نشان می دهند این اختلال نادر است و شیوع و فراوانی زیادی ندارد اما محققان اهمیت این موضوع را درک کرده و مطالعاتی در این زمینه انجام داده اند. مطالعات متنوعی در ابعاد روان شناسانه و همچنین انطباق آن با مبانی فقهی و حقوقی در ایران صورت گرفته، این مطالعات در ارتباط با مهم ترین عوامل اجتماعی تاثیر گذار بر این موضوع و پیامدهای شیوع این اختلال انجام گرفته است.

در میان افرادی که دچار تی اس هستند مشکلاتی نظیر افسردگی انزوا و گوشه گیری، خودکشی، کم رنگ شدن روابط بین دوستان، آشنایان و فامیل، بروز بی اعتمادی، طرد شدن از خانواده و کاهش احساس امنیت در سطوح سازمانی و پایین آمدن روحیه کار گروهی و همدلی و از همه مهم تر از دست دادن شغل دیده می شود که در سطح کلان تأثیرات منفی بر روند ناسازگاری های اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی، تنزل کیفیت زندگی کاهش احساس رضایت از زندگی و شادکامی و ایجاد تعارض در جامعه می گذارد. در ارتباط با شیوع اختلال هویت جنسی آمار دقیقی نداریم، اما به نظر می رسد این اختلال در میان مردان شایع تر است؛ در مردان یک در سسی هزار و در زنان یک در صد هزار گزارش شده است.

گذار از مرز جنس

تراجنسی ها به دو دسته تقسیم می شوند: کسانی که زن به دنیا آمده، اما احساسات درونی آن ها مردانه است (ترامرد) و در مقابل گروهی که مرد متولد شده اند و خود را زن می دانند (ترازن).

پیشوند ترا (یا ترانس) در واژه هایی مثل تراجنس، ترامرد و ترازن، یعنی این که فرد تمایل دارد از جنسی که در آن متولد شده به جنس مخالف گذار کند. در نتیجه هویت جنسیتی که در سنین کودکی شکل می گیرد، اغلب تراجنسی ها در سال های دبستان از ناراحتی خود آگاه می شوند و مشکلات آن ها با خانواده، دوستان شان و جامعه از همین دوره آغاز می شود.

گاهی در روند هویت بای جنسیتی اختلالاتی به وجود می آید و فرد از نظر زیستی و ویژگی های یک جنس، اما از جهت روحی و روانی، تمایلات جنس دیگر را دارد. چنین فردی مانند جنس مخالف احساس و رفتار می کند. این پدیده (Transsexuality) را نارضایتی جنسی یا تغییر جنس خواهی می گویند

افراد هویت جنسیتی متناسب با فرهنگ جامعه ندارند و تشخیص هویت جنسیتی خود به تنگنایند. پدیده اجتماعی شدن جنسیت روندی ثابت دارد و تا حدی تشویق ها و پذیرش های اجتماعی باعث می شود فرد جنسیت خودش را بپذیرد و آن را باور کند. و این بدان معناست که افراد با یک جنسیت خاص متولد نمی شوند بلکه ما دیدگاه های جامعه مان از رنگی و مردانگی را درونی و سپس مجسم

طی شد. در نهایت اسفند ماه سال ۹۳ پروانه فعالیت دو ساله دریافت شد و انجمن رسماً شروع به کار کرد.

ترنس، نمایش نیست، بیماری است

در شرایط طبیعی، هویت جنسیتی یعنی حس فرد از زن و مرد بودنش و صفت و هایش، ارزش ها، رفتارها و ویژگی هایی که به خودش نسبت می دهد و تطابق آن با هنجارها و ارزش هایی که در جامعه و فرهنگ برای زنان و مردان وجود دارد. یعنی این که بیشتر افراد جامعه خاصیت مردانگی و زنانگی دارند و بر اساس وضعیت زیست شناختی و مقوله های اجتماعی - فرهنگی هویت جنسیتی خود را شکل می دهند.

اما گاهی در روند هویت بای جنسیتی اختلالاتی به وجود می آید و فرد از نظر زیستی ویژگی های یک جنس، اما از جهت روحی و روانی، تمایلات جنس دیگر را دارد. چنین فردی مانند جنس مخالف احساس و رفتار می کند. این پدیده را (Transsexuality)، نارضایتی جنسی یا تغییر جنس خواهی می گویند. این